معنای باب نوادر در کتب حدیثی

شاگرد: باب نوادر خصوصیتی دارد؟

استاد: نوادر در کتاب‌های قدیم بوده است. حتی کتاب هم به نام نوادر زیاد نوشته می شده. نوادر به‌معنای ندر و شاذ و ... منظور نبوده. نوادر مقابل کتاب‌هایی مانند کافی شریف که جوامع روائی است، قرار دارد. فرق نوادر با اصول روائی این است: در اصل روائی هر چه که صاحب اصل داشته، می‌آوردند. اصلاً نظم هم نداشته است. یکی فقه بوده و یکی تفسیر بوده. این اصول روائی است. البته اصولی هم بودند که مبوب بوده. بعد از اینکه زمان اصول در شد و اولین جامع روائی که کافی شریف بود نوشته شد، این به‌صورت تبویب درآمد. کتاب فلان، باب فلان. احادیثی هم که مربوط به آن باب بود، با عنوان آن باب ذیل آن می‌بینید. بعد می‌دید مثل مرحوم کلینی سی-چهل حدیث داشتند که نمی‌توانستند عنوان باب خاصی به‌آن بدهند، لذا می‌گفتند نوادر. مثل اینکه الآن ما می‌گوییم متفرقه؛ یک چیزهایی را دسته‌بندی می‌کنیم و بعد می‌گوییم این موضوع فلان و فلان است، بعد می‌گوییم اینها هم متفرقه ها هستند. متفرقه یعنی معنون و تحت عنوان یک باب خاص نیست.

شاگرد: ظاهراً این توجیه جور در نمی‌آید. مثلاً روایت «شهر رمضان ثلاثون لاینقص ابدا»، پنج-شش روایت است که همه آنها را به باب نوادر آورده‌اند. درحالی‌که می‌توانستند به باب «شهر رمضان ثلاثون» ببرند. امثال این را زیاد داریم. یعنی در باب نوادر شش-هفت روایت در یک موضوع است. ولو بعد از آن روایات دیگری در موضوعات دیگر هم باشد.

شاگرد۲: به همین خاطر آقای غفاری گفته‌اند که نوادر به‌معنای غیر معمول به است.

استاد: این معنای اول می‌شود.

شاگرد: اتفاقا مرحوم صدوق روایات ثلاثون را عمل می‌کنند و درعین‌حال در باب نوادر می‌آید.

استاد: یکی از بزرگترین محدثینی که در دقت و وسواس و بیرون کردن برقی از قم معروف است، احمد ابن محمد بن عیسی اشعری است. ایشان کتابی به نام نوادر دارد. خب یعنی چه؟ یعنی چیزهایی که معمول به نیست را جمع‌آوری کرده؟! اگر به این صورت بود که صدای آن می‌پیچید و همه می‌گفتند ایشان کتابی نوشته که عمل نکنید!

شاگرد: نه، این ادعا را نکردند. گفتند نوادرهایی که در کافی هست به این معنا است. نه مطلق نوادر.

استاد: یعنی در کافی اصطلاح جدایی از آن چه که در بیرون بود می‌آید؟! می‌خواهم عرض کنم که نوادر نظیر داشته است، وقتی بیرون نظیر داشته و قبل از کلینی کتاب می نوشتند و دیگران هم کتاب می‌نوشتند، نمی‌توانیم معنای دیگری به آن بدهیم. بله، اگر شاهدی داریم که نوادر در اینجا

به‌معنای بیرون است، قبول می‌کنیم.

شاگرد: باب الرواد و کتاب الرواد یکی است؟ چون کثیری از روایات باب الرواد در سلسله رواتش یک راوی یا چند راوی هست که کتاب رواد دارند.

استاد: این وجه دیگری می‌شود.

شاگرد۲: کتاب الرواد با باب الرواد فرق دارد، معنایی که شما فرمودید در کتاب الرواد نمی‌آید.

استاد: چرا؟! مثلاً الآن می‌گوییم کشکول فلانی، یعنی هر چه که رسیده نوشته. رواد سعد به این معنا نیست که ایشان خواسته باشد یک حدیث خاص را تبلیغ کند.

شاگرد۲: همان هایی را که آورده با بقیه آن‌ها نمی توانسته در یک باب قرار بگیرد؟!

استاد: ولی ایشان نکرده است. نمی‌گوید که نمی‌توانند در یک باب قرار بگیرد. جامع کتاب نظر به این نداشته است. فعلاً جمع‌آوری می‌کرده. منظور این است.

شاگرد: به ذهن من به‌عنوان یک احتمال به این صورت آمد که روایات رواد روایاتی است که در باب رواد می‌آید ولو روایاتش در یک باب جمع شود. مثل روایات شهر رمضان ثلاثون، که آن‌ها را از کتب رواد گرفته‌اند. آن وقت خصوصیت کتب رواد چیزی است که شما می‌فرمایید.

استاد: آن نقضی که شما آوردید، چون مضمون این باب مضمونی غیر معمول به است... .

شاگرد: نه، خود صدوق آورده‌اند و به آن هم عمل کرده‌اند.

استاد: نه، ایشان که رواد نگفته اند. در کافی شریف منظور است.

شاگرد: برای خود مرحوم صدوق است که روایات ثلاثون را در باب رواد آورده‌اند.

استاد: یعنی در فقیه عنوان آن را باب رواد زده‌اند؟

شاگرد: بله. خودشان هم قبول ندارند که روایات معمول به نیست.

استاد: ولی باز می‌گویند که رواد است. بسیار خب. در مجموع فرمایشات نکات خوبی راجع به کلمه رواد گفته شد، سر رسیدن آن و جمع کردن آن چیز خیلی خوبی است. من هم یادم باشد که در فدکیه یک صفحه‌ای برایش ایجاد کنیم تا هر چه شنیدیم و گفته‌ایم در آن جا جمع شود.

شاگرد۲: برخی از آقایان راد را یک معنایی می‌کنند که شاید جمع برخی از این‌ها باشد. می‌گویند گویا یک نوع طرائف و مسائلی است که به ذهنشان قشنگ می آمده.

استاد: بله، راد به‌معنای در کم یاب است. رواد یعنی چیزی کم بوده است.

«و کلامه ککلام الشیخ و الطبرسی و الکاشانی یعطی وجوب القراءة بهذه القراءات و إن لم تکن قرآنا رخصة و تقیة و فیه بعد»؛ این از آن چیزهایی است که مرحوم آقای عاملی «فیه بعد» را باز نمی‌کنند. شاید مجال نبوده و ... . اما در فضای این کلمه خیلی کار هست. واقعا این جور است. ابعد البعد است. ان شالله بعداً می‌رسم و عرض می‌کنم. حال بعد ایشان می‌روند و بر می‌گردند و ما ادله را می‌خوانیم.

بازبینی #2
ایجاد شده 25 آوریل 2024 09:49:36 توسط ... .
به روزرسانی شده 1 ژوئن 2024 15:47:57 توسط ... .